

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نباشد تن من مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم

بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

سیاسی

سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان

۰۱ فبروری ۲۰۱۸

اعلامیه سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان به مناسبت جنایات هولناک و ددمنشانه تروریسم اسلامی در کابل و شهرهای دیگر افغانستان

تروریسم جنایت پیشه اسلامی در قد و قیافه طالبان و داعش یکبار دیگر شهروندان بی دفاع کابل، جلال آباد، قندهار و سایر شهرهای کشور را سلاخی نمودند. قساوت و بی‌رحمی بی‌نظیر این جانپان وحشی وجدان بشریت آگاه و آزادیخواه در سراسر جهان را جریحه دار ساخت. این ماشین جنایت، ددمنشی و توحش که توسط نظام سرمایه داری جهانی و دول ارتجاعی منطقه در هیأت مجاهد، طالب، داعش و ناسیونالیسم تباری و قومی ساخته و پرداخته شده اند، چهار دهه است که چون زالو از مردم افغانستان خون می مکند و هر روز نیز فربه تر می شوند. سرچشمه تمام این شرارت ها و جنایت های بی وقفه در افغانستان که هر روز از مردم زحمتکش قربانی می گیرد ارتجاع بورژوا -امپریالیستی و ایادی شان در قامت نیروهای مذهبی و قومی اند

واقعیت انکار ناپذیر وخامت اوضاع و تشدید جنگ و خشونت را باید در تناقضات درونی خود رژیم حاکم و ناتوانی اش در پاسخ گویی به مطالبات مردم و رفع و رجوع اساسی مشکلات اقتصادی و مدیریت جنگ جست و جو کرد. "دولت وحدت ملی" از دیر مدتی است که علی رغم اتکاء به قدرت های امپریالیستی از درون دچار فروپاشی شده است. این آن زمینه عینی و مادی است که به نیروهای طالبان، داعش و حامیان منطقه ئی شان فرصت می دهد تا سهم خواهی نمایند و در مذاکرات احتمالی "صلح"، از موضع برتر وارد مذاکره شوند؛ آنچه که روشن و مسلم است چه به لحاظ ایدئولوژیک و چه به لحاظ ماهیت سیاسی تفاوت ماهوئی بین سران و کارگزاران دولت ارتجاعی پوشالی به رهبری غنی و عبدالله و طالبان و داعش و ... وجود ندارد. اینها چه در دولت و چه در جبهه مخالف آن دقیقاً سروته یک کرباس و محصول ستراتیژی کاپیتالیسم جهانی در رأس امپریالیسم امریکا و شرکای شان در کشورهای ارتجاعی منطقه اند که بر سرنوشت و حیات مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان تسلط یافته اند؛ این دو صف ارتجاعی، هم دولت پوشالی و هم طالبان و داعش، از چنان ظرفیت های ضد بشری مشترک و بالقوه ای برخوردار هستند که می توانند هر آن به مدد حامیان منطقه ئی و جهانی شان جامعه را به اعتبار تعلق قومی، مذهبی و زبانی شهروندان آن از هم متلاشی سازند و فجایع هولناک تر از آنچه که تا امروز مردم شاهد بوده اند را به مردم زحمتکش افغانستان روا بدارند. در کنار سایر

مسائل و فاکت های مهم دیگر، این آن وجه مخاطره انگیزی است که مردم را در موقعیتی گیج کننده قرار داده است که امید سلب و نفی وضعیت جاری و خلاصی و رهائی از آن را دور از دسترس بدانند

تجربه بعد از اشغال افغانستان توسط امریکا و متحدانش در ناتو، بیانگر آن است که دولت های ارتجاعی و پوشالی به رهبری کرزی، غنی- عبدالله (که عمدتاً متشکل از ارتجاع اسلامی- قومی اند) و همچنین نیروهای طالب و داعش به لحاظ مشترکات طبقاتی و تعلق شان به کمپ ارتجاع بورژوا- امپریالیستی نه این که يك دیگر را نفی نمی کنند بلکه مکمل هم دیگر اند. و این بنیاد و فلسفه اصلی زنده و سرپا نگهداشتن پروژه طالب از یکجانب و سروسامان دادن به نیروهائی تحت پرچم و عنوان داعش از جانب دیگر توسط امپریالیسم امریکا و نهادهائی در درون “دولت وحدت ملی” است

مردم افغانستان در تجربه هولناک زندگی تحت حاکمیت نیروهای ارتجاعی و حامیان بین المللی آنها دریافته اند که نظام سرمایه داری جهانی این مردم را لایق یک زندگی که در آن آسایش و رفاه و امنیت باشد نمی داند و بر همین مبنا است که طی بیشتر از چهار دهه از ارتجاعی ترین نیروها به عنوان گزینه مطلوب برای پیشبرد سیاست های منطقه ای و ستراتیژیک شان کارگرفته و آن را تحت عنوان به رسمیت شناختن “واقعیت موجود” و خواست و تفکر مردم افغانستان به شکل دهشتناکی بر گرده مردم زحمتکش و عاصی از جنگ، فقر و ارتجاع تحمیل نموده اند. در یک چنین فضائی عصبیان و خشم مردم در اشکال تقابل گروه های انتیکی، تباری و زبانی در خدمت بهره برداری ارتجاع مذهبی و قومی در کمین نشسته که خود بخشی از ساختار قدرت و شریک این همه بربریت و جنایت است، کانالیزه می شود.

خشم و عصبیان به حق مردم در قبال جنایات ددمنشانه طالبان و ضعف و ناتوانی حاکمیت باید قبل از همه منتج به نفی و سلب عملی وضعیت حاکم شود، وضعیتی که در آن همه مردم زحمتکش افغانستان به یکسان قربانی شده و همچنان قربانی می شوند. از نظر سازمان سوسیالیستهای کارگری افغانستان علی رغم عدم موجودیت نهادهای کارگری و اجتماعی مترقی و آزادی خواه، چیزی که می تواند در دل این واقعیت عینی شکل و سامان بگیرد، و ضعف و فترت جنبش سوسیالیستی و چپ، وضعیت کنونی به همان اندازه که زمینه یارگیری به جریانهای ناسیونالیست قومی و تباری را فراهم آورده است می تواند فرجه و زمینه مادی ایجاد و سازمانیابی تشکل های کارگری و نهاد های اجتماعی و شوراهای محلات را نیز فراهم آورد. چیزی که می تواند قطب سومی در تقابل با هر دو صف ارتجاعی را سر و سامان دهد

سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان در ضمن تقبیح جنایات شنیع، مدهش و وحشیانه طالبان- داعش و بی مسؤولیتی و بی کفایتی اراکین و سران قدرت حاکمه و حامیان امپریالیست آن در تأمین امنیت مردم، یاد جانباختگان حوادث اخیر را گرامی داشته و از مردم آزادیخواه در پیشاپیش آن کارگران و فعالان سوسیالیست و چپ می خواهد که در این برهه حساس بیشتر از قبل ادای مسؤولیت و فرصت شناسی دقیق نموده در ضمن توضیح مکان و منفعت طبقاتی که دولت پوشالی آن را نمایندگی می کند و همچنین افشای ماهیت ارتجاع اسلامی در هیأت طالبان- داعش دست نیروهای ارتجاعی را که بر اساس تبار و قوم به تفرقه در میان مردم مشغول اند تا بر بنیاد آن سهم بیشتری از خوان قدرت را نصیب شوند، نیز به روشنی افشا نموده و زمینه های مادی شکل گرفتن قطب سوم را با کار و تلاش پیگیر مساعد سازند تا باشد مردم به قدرت اجتماعی و اتحاد شان بساط جهل و فقر و جنگ را بر چینند و دولت پوشالی و حامیانش را برای همیشه از دخالت به زندگی و سرنوشت شان ساقط سازند

مرگ بر ارتجاع اسلامی

ننگ و نفرین به دولت پوشالی

مرگ بر نظام سرمایه داری
یاد و خاطره قربانیان توحش و ارتجاع اسلامی گرامی باد
زنده باد سوسیالیسم
سازمان سوسیالیست های کارگری افغانستان

دلو ۱۳۹۶؛ جنوری ۲۰۱۸